



نگاهی به اولین جشنواره‌ی فیلم‌های کوتاه
جوانه‌های مقاومت (جم)

نویا اما پر امید!

مجید شجاعی

« کسانی که چوب لای چرخ سینمای دفاع مقدس می‌گذارند؛ خجالت بکشند!»، این جمله را «پژمان لشکری‌پور» دبیر نخستین جشنواره‌ی فیلم‌های کوتاه جوانه‌های مقاومت (جم) در مراسم اختتامیه‌ی این جشنواره گفت!

حتماً می‌دانید که استفاده از این نشانه «!» در پایان جمله‌ی بالا یعنی چه؟ در پایان جملاتی که تعجب‌آور است این نشانه را می‌گذارند.

جمله‌ی لشکری‌پور در مراسم اختتامیه جدا از این که خیلی شجاعانه و قابل تحسین بود، قدری اعجاب‌آور بود و مخاطبان را غافلگیر کرد.

چرا دبیر یک جشنواره در پایان صحبت‌های خود در مراسم اختتامیه‌ی جشنواره که از قضا اولین سخنران هم است، چنین بی‌پروا مقابل آن همه هنرمند و مسئول سخن می‌گوید؟

اگر بخواهیم این گفته‌ی پژمان لشکری‌پور را مورد ارزیابی قرار دهیم، شاید آن را به حساب تجربه‌ی کم و جوانی او بگذاریم و بگوییم احساساتی شده و این جمله را بیان کرده است.

نگارنده‌ی این سطور دورا دور ایشان را می‌شناسم و می‌دانم لشکری‌پور علی‌رغم جوانی‌اش، تجربیات خیلی خوبی در برگزاری جشنواره‌ها دارد - چرا که در چندین جشنواره چه در ستاد جشنواره مسئولیت داشت و چه خودش دبیر بود - پس نمی‌تواند آدم کم‌تجربه‌ی در این عرصه قلمداد شود، در ضمن احساساتی هم نشده بود.

می‌توان احتمال‌های دیگری هم به این مسئله داد اما دلم می‌خواهد به احتمالی که برای این حرکت او متصور هستم بپردازم. با توجه به این که لشکری‌پور در چندین سال اخیر به نوعی در کنار انجمن سینمای دفاع مقدس بوده و مشکلات این ژانر سینمای کشورمان را لمس کرده و می‌داند بعضی از مسئولان فرهنگی و هنرمندانی که داعیه‌ی هنرشان را به آسمان وصل می‌کنند، چه بلایی سر این سینمای مظلوم آورده‌اند، این چنین هجمی به سوی آنان کرد.

بدون تردید برای برگزاری اولین جشنواره‌ی جوانه‌های مقاومت هم، کارشکنی‌هایی صورت گرفته و لشکری‌پور همی

این ناملایمات و بی‌مهری‌ها را با یک جمله پاسخ داد. او گفت: «... امیدوارم کسانی که چوب لای چرخ سینمای دفاع مقدس می‌گذارند، خجالت بکشند!»

این که آیا خجالت می‌کشند و یا نه را ما نمی‌دانیم و باید به انتظار بازخوردهای هنری آن باشیم. بدون شک دست‌اندرکاران سینمای دفاع مقدس این آدم‌ها را می‌شناسند و ای کاش چند نفرشان در همین جشنواره معرفی می‌شدند.

قطعه‌ی شهدای گمنام و افتتاح جشنواره!

آیا جشنواره‌ی را سراغ دارید که آغازش از مزار شهدای گمنام باشد؟

اولین جشنواره‌ی جوانه‌های مقاومت (جم) برای سرافرازانی شکل گرفت که جانانه در هشت سال دفاع مقدس از مرزهای ایران اسلامی دفاع کردند.

به‌طور قطع جشنواره‌ی که با نام «شهدای گمنام» هشت سال دفاع مقدس آغاز شود، پر از خیر و برکت خواهد بود. هنرمندان و مسئولانی که در قطعه‌ی ۴۴ بهشت زهرا بر مزار شهدای گمنام گرد هم آمدند، شهدای گمنام را حاضر و زنده احساس می‌کردند.

بدون شک دستان پر مهر شهدای جنگ تحمیلی بالای سر جشنواره‌ی فیلم‌های کوتاه جوانه‌های مقاومت بود! چرا که جشنواره‌ی سه روزه‌ی جم در فضایی صمیمی برگزار شد. درست است که در بعضی از سانس‌های سینما فلسطین، آن قدرها هم جمعیت حضور نداشت اما همان ۵۰ - ۴۰ نفر با تمام وجود چشم به پرده داشتند. به مثابه بعضی جشنواره‌ها کسی با تلفن همراهش حرف نمی‌زد و یا سرگرم پیامک بازی نبود!



کشور و گنجاندن چندین جشنواره‌ی کوتاه در تقویم سینمایی معاونت سینمایی فرهنگ و ارشاد اسلامی، در دزآمدت اتفاقات فرخنده‌یی را رقم خواهد زد چرا که جشنواره‌یی چون جوانه‌های مقاومت، پهنه‌یی شد تا جمعی از فیلمسازان جوان و مستعد کشور که تا حدودی مرزهای فکری مشترکی دارند گرد هم آیند و ضمن دیدن آثار، به بحث و تبادل نظر در زمینه‌های فرهنگی و هنری هم بپردازند. اتفاق خوبی که با تکرار، می‌تواند آینده‌ی سینمای ایران را به سوی پویایی و اعتلا پیش ببرد.

نگاهی کوتاه به چند فیلم اولین جشنواره‌ی فیلم‌های کوتاه جوانه‌های مقاومت (جم)

بازی انگلیسی

«بازی انگلیسی» به کارگردانی «امیرحسین نوروزی» یکی از فیلم‌های خوب مستند جشنواره بود که با بهره‌گیری از فیلم‌های مختلف خبری و مستند با تدوینی زیبا به سمت و سویی که کارگردان در نظر داشت رسید.

فیلم را باید بیش‌تر فیلم تدوین دانست چرا که بازی انگلیسی فیلمبردار نداشت و نیازی هم نبود از صحنه‌یی فیلمبرداری شود! این فیلم به نقش پشت پرده‌ی انگلیس در سیاست‌های جنگ‌طلبانه در فلسطین پرداخت و با بهره‌گیری از فیلم‌های آرشیوی، تاریخ حضور و هجوم صهیونیسم به فلسطین را به تصویر کشید.

شاید بازی انگلیسی از جهتی که بدون فیلمبرداری یک پلان یک فیلم مستند کامل قلمداد می‌شود، در نوع خود از تازگی برخوردار

دوستداران سینما طی سه روز در سالن‌های سینما فلسطین ۳۰۰۰ دقیقه فیلم دیدند و این برای یک جشنواره‌ی فیلم کوتاه، آمار درخور توجهی می‌تواند باشد.

در جشنواره‌ی جوانه‌های مقاومت از زنده‌یاد «رسول ملاقلی‌پور» و «احمدرضا درویش» تجلیل به عمل آمد.

بخشی نیز به فیلمسازان شهید اختصاص داشت که آثاری از «سیدابراهیم اصغرزاده»، «حسین مهدویان»، «مهدی فلاحت‌پور» و «سیدمرتضی آوینی» به نمایش درآمد و مورد توجه هم قرار گرفت. در بخش گنجینه‌های ماندگار فیلم‌های «حمید و فاطمه»، «سقای تشنلب»، «شاه کوچک» و «گمنام آشنا» از شادروان رسول ملاقلی‌پور و «زندگی در ارتفاعات» از «عزیزالله حمیدنژاد» به نمایش درآمد. دیدن آثاری از فیلمسازان بزرگ سینمای ایرلن برای فیلمسازان جوان خیلی جالب و تماشایی بود.

در بین فیلمسازان جشنواره چند چهره‌ی آشنا که از سینمای حرفه‌یی به جشنواره آمده بودند هم به چشم می‌خورد. «پروانه معصومی» با فیلم «چشمان پدر»، «رهبر قنبری» با فیلم «نگهبان زندگی»، «هومن سیدی» با فیلم‌های «استخوان‌های آب» و «کوبار» و ... کارگاه مستند اجتماعی هم با حضور ابراهیم مختاری، پیروز کلاتری، سعید رشتچیان و کامران ملکی برگزار شد که مورد توجه فیلمسازان جوان قرار گرفت.

«شادمهر راستین» نیز در کارگاه فیلمنامه‌نویسی حضور یافت و از تجربیات فیلمنامه‌نویسی خود گفت.

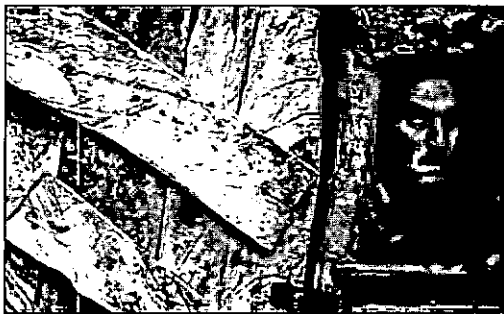
حرفی برای ۳۱۳ ثانیه

بخش فیلم‌های ۳۱۳ ثانیه‌یی از این جهت انتخاب شد که ۳۱۳ تعداد یاران امام زمان (عج) در هنگام ظهور پربرکت ایشان می‌باشد. ۳۱۳ ثانیه زمان مناسبی برای یک فیلم کوتاه است. فرصتی که بعضی از فیلمسازان جوان به خوبی توانستند در آن مجال کوتاه به آدم‌های فیلم خود، شخصیت بدهند و پردازش مناسبی از آنان ارایه دهند اما بودند آثاری که سردرگم تلاش می‌نمودند، حرف‌هایی بزنند اما در نهایت به هدف غایی خود نایل نیامدند چرا که نمی‌توانستند در این فرصت به گونه‌یی ایجاز را رعایت کنند که هم حرف‌های بزرگی بزنند و هم از ساختار سینمایی دور نشوند.

بدون تردید فیلم کوتاه باید از قوام و دوام کافی در فیلمنامه، دکوپاژ، میزانشن، تدوین و دیگر اجزای سینما برخوردار باشد. قرار نیست به صرف این که فیلم کوتاه می‌سازیم به نورپردازی، حرکت دوربین، فیلمنامه، موسیقی و ... اهمیتی ندهیم.

شاعر برای سرودن یک قصیده رعایت تمامی اصول شعر را بر خود واجب می‌بیند. این اتفاق حتی در سرودن یک دوبیتی هم لحاظ می‌شود.

چرا هنرمندی که با تصویر حرف‌های شاعرانه می‌زند، اصول فیلمسازی را رعایت نمی‌کند؟ برخی از فیلم‌ها آن قدر ساده ساخته شده بودند که گویی تفکر آن چنان خاصی پشت آن نبوده است. البته این چیزی از زیبایی بعضی از فیلم‌ها نمی‌کاهد. بودند آثاری که در عین کوتاهی، حرف‌های بزرگی را به زیبایی بیان کردند. تقویت و حمایت از فیلم‌های کوتاه در بدنه‌ی رویدادهای سینمایی



ثانیه‌ی جشنواره بود. داستان فیلم به زندگی یک جانباز شیمیایی می‌پردازد. او دلش می‌خواهد نماز عید فطر با اذان او برپا شود اما مردم به خاطر گرفتگی صدایش دوست ندارند او اذان بگوید! درست هنگامی که روحانی محل از او تست اذان می‌گیرد صدای پسر کر و لال رزمنده در فضای روستا می‌پیچد! او اذان می‌گوید و تأثیر اذان او در همه جای طبیعت و جانداران نمود پیدا می‌کند.

هومن سیدی که پیش‌تر او را به عنوان بازیگر می‌شناسیم (یک تکه نان و پابرهنه در بهشت) با فیلم «بمیر عزیز دلم» وارد عرصه‌ی فیلمسازی شد. کوپار در اولین جشنواره‌ی فیلم بسیج به عنوان بهترین فیلم شناخته شده بود و شاید به همین خاطر در این جشنواره داوران از کنار آن به راحتی گذشتند. کوپار را باید یکی از بهترین فیلم‌های نخستین جشنواره‌ی فیلم جم دانست چرا که از ساختاری سینمایی برخوردار است و برخلاف اکثر آثار جشنواره تمام ویژگی‌های یک فیلم کوتاه را داراست.



نگهبان زندگی

«رهبر قنبری» کارگردان فیلم‌هایی چون «او»، «پرنده‌باز کوچک»، «عروسی حسین»، «خاکستر و پروانه» و «آرزوها» با فیلم کوتاه «نگهبان زندگی» در جشنواره حضور داشت. فیلمی که روایتگر زندگی یک جفت پرنده در پوتین یک رزمنده در زمان جنگ است. رزمنده تمام تلاش خود را در نگهداری از این پرنده و بچه‌ی که از تخم سر به‌در آورده می‌کند تا جایی که جان خود را نیز در این راه از دست می‌دهد.

رهبر قنبری یکی از کارگردان‌های حرفه‌ی سینماست که با یک فیلم کوتاه در این جشنواره حضور داشت. قنبری در نگهبان زندگی با لحاظ کردن شخصیت‌پردازی مناسب در مدت زمانی کم، پایان‌بندی

مناسبی را هم برای فیلمش در نظر گرفت ■

باشد. جالب‌تر این که وقتی امیرحسین نوروزی در مراسم اختتامیه جایزه گرفت، پشت میکروفون رفت و گفت: «سینمای داستانی ما در دنیا جایگاه آن‌چنانی ندارد اما می‌توانیم با سینمای مستند که خیلی راحت‌تر می‌شود کار کرد، به جایگاه مناسبی برسیم!»

قانا



فیلم مستند «قانا» به کارگردانی «محمدرضا عباسیان» را باید یکی از تأثیرگذارترین فیلم‌های اولین جشنواره‌ی فیلم جم دانست. هر چند هیئت داوران به راحتی از ویژگی‌های بصری و جهت‌گیری فیلم در پرده برداشتن از یکی از جنایات غمبار رژیم اسرائیل، گذشت اما این اتفاق چیزی از تأثیرگذاری فیلم بر روی مخاطب نمی‌کاهد. قانا به حملات اسرائیل به کانکس‌های سازمان ملل در روستای قانای لبنان می‌پردازد؛ جایی که ۱۰۶ زن و مرد و کودک به طرز اسفناکی شهید شدند. دوربین لحظاتی پس از این حادثه در صحنه حضور داشت و به خوبی توانست جنایات ارتش اسرائیل را به تصویر بکشد. هنگام پخش این فیلم در سینما فلسطین، خیلی از تماشاگران با چشمان اشکیار چشم به پرده‌ی سینما دوخته بودند.

دردهای پنهانی

«دردهای پنهانی» به کارگردانی «صفر بختیاری» حکایت یک جانباز اعصاب و روان است که به خاطر زندگی چهارساله‌اش در آلمان توانسته زبان آلمانی را به خوبی بیاموزد. او با این که تا سوم راهنمایی بیش‌تر تحصیل نکرده، تا جایی پیشرفت داشته که توانسته بعضی از کتاب‌های فارسی را به آلمانی ترجمه کند. فیلم به گوشه‌ی زندگی این جانباز و مشکلاتی که او و خانواده‌اش با آن درگیر هستند، می‌پردازد.

مستندهایی از این دست تأثیرگذاری زیادی روی مخاطب دارد و ای کاش تلویزیون با سیاست‌های درست‌تری به تولید مستندهایی شبیه به دردهای پنهانی همت گمارد تا جامعه نگاه مهربان‌تری به قشر جانبازان داشته و با اطلاعات بیش‌تری به این قشر مظلوم بنگرد.

دوربین بختیاری به سادگی به آسایشگاه جانبازان اعصاب و روان رفت و بدون هیچ پیچیدگی بصری و یا کارگردانی، آدم‌هایی را به تصویر کشید که زمانی زندگی عادی داشتند اما برای دفاع از دین و وطن به چنین مشکلی گرفتار آمدند.

کوپار

«کوپار» به کارگردانی «هومن سیدی» از فیلم‌های بخش ۳۱۳